



فوتبال ایران در تسخیر تخلف، جنجال و جرمه

قانون شکنان؛ برندگان همیشگی بی انضباطی

پرونده ویژه

محمدرضا رحیم پور

خب رنگ ا

فوتبال ایران سال‌هاست با یک تناقض جدی روبه‌روست؛ از یک سو مسئولان و مدیران فوتبال بارها بر ضرورت حفظ انضباط، احترام به داور، کنترل رفتار بازیکنان و جلوگیری از حاشیه در سکوها و کنار زمین تأکید می‌کنند و از سوی دیگر، اتفاقاتی که تقریباً هر هفته در مسابقات لیگ برتر رخ می‌دهد، نشان می‌دهد بخش مهمی از این همدارها در عمل، اثر بازدارندگی خود را از دست داده‌اند.

هر هفته پرونده‌ای تازه شکل می‌گیرد؛ بازیکنی با داور درگیری می‌شود، مربی علیه داور موضع تند می‌گیرد، سرپرست وارد مجادله می‌شود، مدیر یک باشگاه علیه تیم رقیب بیانه صادر می‌کند و گاهی نیز حاشیه‌های داخل زمین به راه‌روهای ورزشگاه و مقابل رختکن‌ها کشیده می‌شود. چند روز بعد، کمیته انضباطی رأی خود را صادر می‌کند و معمولاً با ترکیبی از جرمه نقدی و محرومیت کوتاه‌مدت، پایان ماجرا اعلام می‌شود.

اما پرسش اساسی همچنان بی‌پاسخ می‌ماند: اگر مجازات قرار است از تکرار تخلف جلوگیری کند، چرا همان رفتارها دوباره و دوباره تکرار می‌شوند؟ اتفاقات دیدار تراکتور و گل‌گهر در ورزشگاه یادگار امام تبریز، فارغ از اینکه در نهایت کدام طرف در ادعاهای خود محق باشد، نمونه‌نمازهای از همین چرخه است؛ مسابقه‌ای که در زمین با برتری یک بر صفر تراکتور به پایان رسید، اما حاشیه‌های آن بعد از سوت پایان تازه وارد مرحله دیگری شد و پرونده‌هایی را مقابل کمیته انضباطی و کمیته اخلاق قرار داد.

در چنین شرایطی، مسأله دیگر فقط یک بازیکن، مربی یا باشگاه نیست؛ مسأله، کارآمدی ساختار انضباطی فوتبال ایران و میزان توانایی آن برای جلوگیری از تکرار تخلف است.

جریمه‌ای که به هزینه جاری تبدیل شده است یکی از مشکلات قابل تأمل در فوتبال ایران این است که در بسیاری از موارد، جرمه نقدی از یک ابزار انضباطی به نوعی هزینه جاری تبدیل شده است.

فوتبال ایران به مجازات مؤثر نیاز دارد

راه حل را نباید فقط در سنگین‌ترکردن جرمه‌ها جست‌وجو کرد. فوتبال ایران به مجازات‌هایی نیاز دارد که واقعاً اثر داشته باشند؛ مجازاتی که بازیکن را وادار کند پیش از رفتار هیجانی مکث کند، مربی را نسبت به اعتراض‌های خارج از چهارچوب محتاط کند، مدیر را از ایجاد جنگ رسانه‌ای منصرف سازد و باشگاه را به کنترل رفتار اعضای خود وادار کند. در عین حال، بازیکن و هوادار باید بدانند که برای هیچ تیم و هیچ ستاره‌ای استثنایی در اجرای قانون وجود ندارد. اگر چنین سیستمی شکل بگیرد، کمیته انضباطی دیگر صرفاً نهادی نخواهد بود که پس از هر مسابقه چند پرونده دریافت و چند جرمه صادر کند؛ بلکه به نهادی تبدیل خواهد شد که بتواند رفتار فوتبال را پیش از رسیدن به بحران مدیریت کند. این همان تفاوت میان «تنبیه» و «بازدارندگی» است.



با رفتارهای خارج از چهارچوب می‌شوند، چهره‌هایی ناشناخته و بی‌سابقه نیستند بلکه در بسیاری از موارد، پیش از این نیز سابقه رفتارهای مشابه یا نزدیک به آن را داشته‌اند. این موضوع یک پیام روشن دارد: اگر مجازات متناسب با تخلف نباشد، احتمال تکرار افزایش پیدا می‌کند.

در ماجرای اخیر گل‌گهر و تراکتور نیز فارغ از اینکه نهایتاً رکن قضایی فدراسیون درباره هر یک از ادعاهای مطرح‌شده چه تصمیمی خواهد گرفت، اصل مسأله روشن است. وقتی یک مقام رسمی پس از اخراج، حاشیه‌های جدیدی را به وجود می‌آورد، نمی‌توان این اتفاقات را صرفاً یک هیجان زودگذر پس از مسابقه تلقی کرد.

اینها نشانه‌هایی از یک مشکل بزرگ در فرهنگ انضباطی فوتبال است. البته منظور از برخورد بازدارنده، الزاماً صدور سنگین‌ترین مجازات در هر پرونده نیست. رأی بازدارنده، رأی است که متناسب با شدت تخلف، جایگاه مرتکب، آثار رفتار، سوابق انضباطی و احتمال تکرار آن صادر شود. ممکن است برای یک تخلف، جرمه مالی مناسب باشد و برای تخلف دیگری، محرومیت یا ترکیبی از مجازات‌ها ضرورت پیدا کند. آنچه اهمیت دارد تناسب مجازات با شرایط پرونده است.

از سوی دیگر، ارکان قضایی فدراسیون فوتبال وقتی باشگاه، بازیکن، مربی یا مدیر بداند که در صورت عبور از خطوط انضباطی، نهایتاً با مبلغی جرمه مواجه می‌شود که در مقایسه با گردش مالی فوتبال حرفه‌ای رقم تعیین‌کننده‌ای نیست، فلسفه بازدارندگی مجازات زیر سؤال می‌رود. مجازات زمانی بازدارنده است که هزینه تخلف از منفعت آن بیشتر باشد. اگر یک بازیکن با توهین به داور، بر تحریک بازیکن حریف با ایجاد جنجال بتواند فضای مسابقه را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت تنها با یک جرمه مالی مواجه شود، آیا واقعاً انگیزه‌ای جدی برای تغییر رفتار خود خواهد داشت؟

فوتبال، برخلاف بسیاری از حوزه‌های دیگر، با زمان زندگی می‌کند. یک بازیکن ممکن است یک مسابقه بسیار مهم را از دست بدهد، اما چند هفته بعد دوباره به ترکیب بازگردد. اگر تخلف او در مسابقه‌ای حساس رخ داده باشد و مجازات با فاصله زمانی زیادی اعمال شود، بخشی از اثر تنبیهی آن از بین می‌رود. از همین رو، انضباط ورزشی باید سریع، دقیق، متناسب و قابل پیش‌بینی باشد.

مشکل فقط رأی نیست

یکی از انتقادهای جدی به ساختار انضباطی فوتبال ایران، فاصله میان اتفاق و تصمیم نهایی است. روز مسابقه، حاشیه به تیر رسانه‌ها تبدیل می‌شود؛ فیلم‌ها در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند، باشگاه‌ها بیانه صادر می‌کنند، هواداران علیه یکدیگر موضع می‌گیرند و فضای فوتبال برای چند روز ملتهب می‌شود. اما پس از فروکش کردن موج رسانه‌ای، پرونده وارد فرایند اداری می‌شود و ممکن است هفته‌ها بعد رأی صادر شود؛ زمانی که افکار عمومی دیگر توجه چندانی به موضوع ندارد و حتی ممکن است فرد موردنظر چند مسابقه دیگر نیز قابل مسابقه داشته باشد.

این فاصله زمانی میان «تخلف» و «مجازات» برای یک نظام انضباطی مسأله مهمی است. بازیکن باید ارتباط مستقیم میان رفتار و پیامد آن را احساس کند. اگر این ارتباط از بین برود، مجازات بخشی از اثر تربیتی و بازدارنده خود را از دست می‌دهد.

بنابراین اصلاح ساختار انضباطی فقط به افزایش شدت رأی کمیته‌ها محدود نمی‌شود؛ سرعت رسیدگی و قطعیت اجرای تصمیم نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

محرومیت کوتاه‌مدت هم همیشه راه حل نیست

ممکن است گفته شود فوتبال ایران در کنار جرمه نقدی، ابزار محرومیت را نیز در اختیار دارد و بنابراین سیستم انضباطی فاقد مجازات بازدارنده نیست. اما مسأله فقط وجود مجازات نیست؛ تناسب، سرعت، قطعیت و نحوه اجرای آن نیز اهمیت دارد. محرومیت زمانی اثرگذار است که بازیکن بداند تخلف او می‌تواند مستقیماً بر حضورش در مسابقه بعدی، جایگاهش در ترکیب، قراردادش و حتی اعتبار حرفه‌ای او تأثیر بگذارد. اگر رسیدگی طولانی شود، رأی هفته‌ها یا ماه‌ها بعد صادر شود یا محرومیت در شرایطی اعمال شود که اهمیت مسابقات برای فرد کاهش یافته باشد، قدرت بازدارندگی آن کمتر خواهد شد.

پایان باز؛ رأیی که همه منتظر آن هستند

حالا نگاه‌ها به کمیته انضباطی و کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال دوخته شده است. پرونده دیدار تراکتور و گل‌گهری می‌تواند مانند ده‌ها پرونده دیگر در فوتبال ایران صرفاً یک خبر چندروزه باشد؛ یا می‌تواند فرصتی برای ارسال یک پیام روشن به تمام لیگ تبدیل شود؛ نام بزرگ، بودجه بیشتر، بیشتر و جایگاه بالاتر، هیچ کدام مجوز عبور از قانون نیست. اگر تخلفی صورت گرفته، باید بدون توجه به نام‌ها بررسی شود. اگر انتهای اثبات نشده، نباید فرد یا باشگاهی پیشاپیش محکوم شود. اما اگر تخلف اثبات شد، مجازات نیز باید آن‌قدر واقعی، متناسب و قابل اجرا باشد که تکرار آن را پرهزینه کند. فوتبال ایران بیش از هر چیز به این نیاز دارد که قانون از روی کاغذ وارد زمین شود.

در غیر این صورت، داستان همان داستان همیشگی خواهد بود؛ یک مسابقه حساس، چند درگیری، چند بیانه، چند شکایت، چند روز جنجال رسانه‌ای و در نهایت رأیی که شاید صادر شود، اما این سؤال همچنان باقی بماند که آیا واقعاً کسی را از تکرار آن رفتار منصرف کرده است؟ پاسخ به همین سؤال، میزان موفقیت نظام انضباطی فوتبال ایران را مشخص خواهد کرد. چون قانونی که نتواند از تخلف جلوگیری کند، هرچقدر هم روی کاغذ دقیق و کامل باشد، در عمل فقط قانون است؛ نه یک ابزار بازدارنده.

بازدارندگی یا درآمدزایی؟

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال سال گذشته در فاصله ۱۸ دقیقه، رأی انضباطی هفته بیست‌وششم لیگ برتر را اعلام کرد؛ احکامی که مجموع جرایم مالی آنها به ۳ میلیارد و ۵۷ میلیون تومان رسید. در این احکام، ۱۹ تخلف با جرمه نقدی مواجه شده و متخلفان موظف به پرداخت مبالغ تعیین‌شده هستند؛ اما تکرار تخلفات در فوتبال ایران، بار

وقتی تخلف عادی می‌شود

در هر نظام انضباطی، یکی از مهم‌ترین اصول، قطعیت مجازات است. ممکن است مجازات یک تخلف بسیار سنگین نباشد، اما اگر فرد مطمئن باشد تخلف او بدون استثنا و بدون توجه به نام و جایگاهش با واکنش روبه‌رو خواهد شد، احتمال ارتکاب آن کاهش پیدا می‌کند. در مقابل، مجازات بسیار سنگین اما غیرقابل پیش‌بینی نیز الزاماً بازدارنده نیست.

فوتبال ایران پیش از آنکه به دنبال مجازات‌های عجیب و سنگین باشد، به ثبات در اجرای قانون نیاز دارد. قانون باید برای بازیکن جوان و ستاره ملی پوش، مربی کم‌نام و سرمربی مشهور، باشگاه کوچک و مدعی قهرمانی یکسان باشد.

اگر این احساس شکل بگیرد که جایگاه افراد می‌تواند بر شدت برخورد تأثیر بگذارد، اعتماد به سیستم انضباطی کاهش پیدا می‌کند. از این منظر، برابری در اجرای قانون شاید مهم‌تر از سنگینی خود مجازات باشد.

باشگاه‌ها هم باید پاسخگو باشند

تمام مسئولیت را نمی‌توان بر دوش کمیته انضباطی گذاشت. باشگاه حرفه‌ای باید نخستین خط دفاعی در برابر رفتارهای غیرحرفه‌ای باشد.

وقتی بازیکن یک باشگاه وارد درگیری می‌شود، باشگاه نباید صرفاً منتظر رأی فدراسیون بماند تا مشخص شود چه اتفاقی افتاده است. باشگاه می‌تواند در آیین نامه داخلی خود برای رفتارهای غیرحرفه‌ای پیامدهایی مشخص کند. رفتار توهین‌آمیز یا داور، ایجاد درگیری با بازیکن حریف یا نقض مقررات رسانه‌ای می‌تواند علاوه بر مجازات فدراسیون، پیامد داخلی نیز داشته باشد. این همان مسئولیت‌پذیری فردی و سازمانی است که از یک باشگاه حرفه‌ای انتظار می‌رود.

اگر بازیکن بداند تخلف او فقط یک پرونده در فدراسیون نیست و ممکن است بر قرارداد، پاداش، جایگاهش در تیم و آینده حرفه‌ای او نیز تأثیر بگذارد، اثر بازدارندگی افزایش خواهد یافت.



دیگر سؤال مهمی را درباره میزان بازدارندگی این مجازات‌ها مطرح کرده است. از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون نیز مبالغ قابل توجهی از محل جرایم انضباطی از باشگاه‌ها و عوامل فوتبال دریافت شده، اما آیا افزایش درآمد کمیته انضباطی به معنای کاهش تخلفات بوده است؟ وقتی بازیکن، مربی یا باشگاه بداند در ازای یک تخلف، صرفاً باید

جرایم را واقعی کنید



یکی از تغییرات مورد نیاز، بازتعریف مفهوم جرمه است. جرمه نقدی باید با توجه به شرایط اقتصادی فوتبال، سطح مسابقات و میزان اثر تخلف طراحی شود. نمی‌توان یک رقم ثابت را برای همه در نظر گرفت و انتظار داشت برای همه اثر یکسانی داشته باشد. ممکن است یک جرمه برای یک بازیکن جوان سنگین باشد، اما برای یک باشگاه متمول تقریباً هیچ اثر بازدارنده‌ای نداشته باشد.

بنابراین نظام انضباطی باید مجموعه‌ای متناسب از ابزارها را در اختیار داشته باشد؛ از محرومیت از مسابقه و محرومیت تعلیقی گرفته تا محرومیت از حضور در ورزشگاه، الزام به عذرخواهی رسمی در موارد مشخص، دوره‌های آموزشی، محرومیت از فعالیت‌های مرتبط و جرمه‌های متناسب. در تخلفات بسیار سنگین نیز طبیعتاً باید مجازات‌های شدیدتر در نظر گرفته شود. هدف، انتقام از متخلف نیست؛ هدف جلوگیری از تکرار تخلف است.

انضباط نباید بعد از جنجال شروع شود



مشکل اصلی این است که در فوتبال ایران، انضباط اغلب پس از وقوع جنجال وارد میدان می‌شود؛ در حالی که انضباط واقعی باید پیش از حادثه شکل گرفته باشد. بازیکن باید پیش از ورود به زمین بداند چه رفتاری مجاز و چه رفتاری ممنوع است. باشگاه باید پیش از آغاز فصل قوانین داخلی خود را مشخص کرده باشد. کمیته انضباطی باید چهارچوب‌های روشن داشته باشد و مهم‌تر از همه، همه بداند که قانون در صورت تخلف اجرا خواهد شد. اگر چنین سازوکاری وجود داشته باشد، بسیاری از پرونده‌ها اساساً شکل نخواهند گرفت.

رأی خوب، رأیی نیست که فقط سنگین باشد

راه حل را نباید صرفاً در سنگین‌ترکردن مجازات‌ها جست‌وجو کرد. رأی خوب الزاماً رأی سنگین نیست؛ رأی خوب، رأیی شفاف، سریع، متناسب و قابل اجراست. اگر تخلف بازیکن مشخص است، رأی باید با استناد روشن به مقررات صادر شود. اگر باشگاه یا فردی بی‌گناه است، دفاع او باید شنیده شود. اگر تخلف سنگین است، مجازات باید متناسب باشد و مهم‌تر از همه، اجرای رأی نباید تحت تأثیر نام افراد و باشگاه‌ها قرار بگیرد. فوتبال ایران بیش از مجازات‌های نمایشی به چنین سیستمی نیاز دارد؛ سیستمی که هم حقوق متهم را رعایت کند و هم در صورت اثبات تخلف، واکنش آن روشن و مؤثر باشد.

یک سؤال ساده اما بی پاسخ

اگر یک بازیکن بداند که با توهین به داور ممکن است چند میلیون تومان جرمه شود، اما همچنان بتواند در بازی بعدی حضور داشته باشد، چه چیزی او را از تکرار رفتار بازمی‌دارد؟ اگر یک سرپرست تیم بداند که در صورت ورود به یک درگیری ممکن است تنها با احضار و ارائه توضیح روبه‌رو شود، آیا این فرایند به اندازه کافی بازدارنده است؟ و اگر باشگاهی بداند انتشار یک بیانه تند و جنجالی در نهایت با یک جرمه مالی تمام می‌شود، چرا باید ادبیات خود را تغییر دهد؟ پاسخ به همین پرسش‌ها نقطه‌ای است که فوتبال ایران باید اصلاح نظام انضباطی خود را از آن آغاز کند.

بیانه‌های باشگاه‌ها؛ بنزین روی آتش؟

موضوع دیگری که در فوتبال ایران به بخشی از فرهنگ مسابقات تبدیل شده، انتشار بیانه‌های تند پس از بازی است. باشگاهی که احساس می‌کند حقش ضایع شده، طبیعتاً حق اعتراض دارد. اما اعتراض با حمله لفظی، متهم‌کردن افراد و استفاده از ادبیات تحریک‌آمیز تفاوت دارد. در پرونده تراکتور و گل‌گهر نیز پس از مسابقه، دو باشگاه مواضع خود را اعلام کردند و هر کدام نسبت به بخشی از اتفاقات اعتراض داشتند. این حق باید محفوظ بماند؛ اما فوتبال حرفه‌ای نیازمند ادبیات حرفه‌ای نیز هست.

اگر باشگاه‌ها بدانند بیانه‌های حاوی توهین، تحریک هواداران یا اتهام‌های بدون سند نیز مشمول برخورد روشن خواهند شد، ادبیات رسمی فوتبال به‌تدریج تغییر خواهد کرد. در غیر این صورت، هر مسابقه حساس می‌تواند به جنگ رسانه‌ای چندروزه تبدیل شود و دامنه یک اختلاف ورزشی از زمین مسابقه به فضای عمومی کشیده شود.

فوتبال حرفه‌ای، فقط قرارداد حرفه‌ای نیست

سال‌هاست درباره حرفه‌ای شدن فوتبال ایران صحبت می‌شود؛ از قراردادهای حرفه‌ای و حق پخش گرفته تا درآمدزایی، استادیوم‌ها، مجوز حرفه‌ای و مسائل اقتصادی. اما حرفه‌ای‌گری فقط پول و قرارداد نیست. رفتار حرفه‌ای نیز بخشی از فوتبال حرفه‌ای است.

وقتی بازیکن قرارداد حرفه‌ای امضا می‌کند، باید بداند رعایت قوانین و اصول رفتاری نیز بخشی از تعهد اوست. وقتی باشگاه خود را حرفه‌ای معرفی می‌کند، باید در نحوه مدیریت بازیکنان، صدور بیانه‌ها و واکنش به اتفاقات مسابقه نیز حرفه‌ای باشد. و وقتی فدراسیون ساختار انضباطی دارد، باید بتواند مقررات خود را به شکلی اجرا کند که همه‌آن را جدی بگیرند.

پایان ماجرا با سوت پایان نیست

مسابقه تراکتور و گل‌گهر با سوت داور تمام شد؛ تراکتور ۳ امتیاز گرفت و به صدر جدول رسید، اما پرونده این بازی همچنان ادامه دارد. شاید این مهم‌ترین نکته درباره فوتبال امروز ایران باشد؛ سوت پایان مسابقه الزاماً پایان ماجرا نیست. پس از آن، بیانه‌ها آغاز می‌شوند، شکایت‌ها ثبت می‌شوند، فایل‌های صوتی و تصاویر در فضای مجازی منتشر می‌شوند، کمیته‌های مختلف وارد پرونده می‌شوند و در نهایت رأی انضباطی صادر می‌شود اما اثر آن محدود و کوتاه‌مدت است. مسابقه بعدی تکرار شود، باید پذیرفت که سیستم در بخش بازدارندگی موفق نبوده است. هدف نظام انضباطی نباید افزایش تعداد پرونده‌ها و صدور هرچه بیشتر جرمه‌ها باشد؛ هدف اصلی باید کاهش تعداد تخلفات و پرونده‌ها باشد.